



# جول

ایمی یوینگ

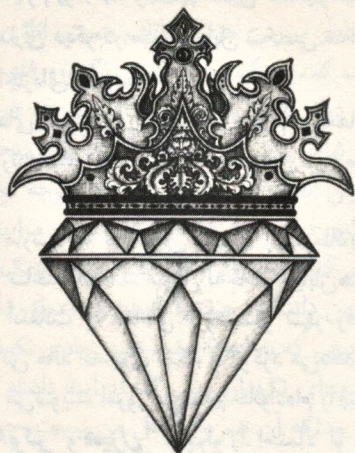
سارا رچایی فر

مجموعه شهرتها



تسریز

J E W E L



## فصل اول

امروز آخرین روزی است که من *وایولت لستینگ*<sup>۱</sup> هستم. خیابان‌های *مارش*<sup>۲</sup> صبح به این زودی ساکت‌اند. فقط با رد شدن یک گاری شیر، صدای الاغی می‌آید که به زحمت قدم برمی‌دارد، همراه با صدای به هم خوردن بطری‌های شیشه‌ای. ملحفه‌ها را کنار می‌زنم و رب‌دوشامبرم را روی لباس‌هایم می‌پوشم. این رب‌دوشامبر از مادرم به من رسیده؛ به رنگ آبی تیره است و آرنج‌هایم ساییده شده. قبلاً برایم خیلی بزرگ بود؛ آستین‌هایم از نوک انگشتانم هم پایین‌تر می‌آمدند و لبه‌ی پایینش روی زمین کشیده می‌شد. در چند سال گذشته اندازه‌ام شده است. حالا درست همان‌طور که اندازه‌ی تن مادرم بود، برای من نیز اندازه است. عاشقش هستم. این یکی از معدود چیزهایی بود که اجازه دادند با خودم به *دروازه‌ی*

---

<sup>1</sup> Violet Lasting

<sup>2</sup> Marsh